

دعوت به خداشناسی در دیوان مولانا روانبد

مجیب الرحمن دهانی*

عباس نیکبخت**

چکیده

دعوت به خداشناسی در اشعار غالب شعرای مسلمان و خدا شناس دیده می‌شود و هر شاعری بسته به طبع شعریش و مهارتش در این باره قلم می‌زند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر دعوت به خداشناسی در دیوان مولانا روانبد بوده است. روش تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و استفاده از تجارب افراد ذی صلاح در این رشته می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که مولوی روانبد از شاعران مطرح زبان بلوچی است که با توجه به تحصیلش در علوم دینی و فطرت خداشناسش، اشعارش در توصیف صفات ایزدی از قبیل: دادگری خداوند، لطف خداوند، رحمت و حکمت ایزد و تجلی ذات ایزدی در بهشت جاوید قابل تامل و تفکر است. شاعر با توجه به اشرافش به علوم دینی می‌خواهد مخاطبش را با اسلوب شعری با صفات بی مثل یزدان پاک آشنا نماید و در جهت این مهم موفق عمل می‌کند
واژگان کلیدی: مولوی روانبد، رحمت، حکمت، بهشت

* ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

Rahmandahani@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

Ad035474@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰

مقدمه

خداشناسی و فطرت خدا شناس گوهر وجودی هر انسان آگاه و صاحب خردی است. هر کسی که به این میل پاسخ بدهد و از دستورات الهی پیروی کند و از معاصی دست بکشد مقرب بارگاه ایزدی می‌گردد. شاعران بعنوان سرآمدان عصر خویش، و نخبگان زمان اگر با خداوند آشنا باشند و با برگزیدگانش و دستوراتش و آنها را در شعر خویش بگنجانند یقیناً شعر آنها ماندگار خواهد شد و جاودانه و بر اعتبارشان خواهد افزود یکی از راه‌های اثبات وجود خدای متعال، شناخت او از طریق صفات الهی در عالم تکوین است، بدین گونه که انسان با مشاهده اسرار طبیعت و نظم محیرالعقول حاکم بر جهان هستی، و تفکر در اینها به شناخت خدای متعال می‌رسد. دین‌شناسی با خداشناسی آغاز می‌شود.

خداوند در قرآن نیز بسیار از طبیعت و آفرینش موجودات یاد کرده و ما را به توجه بدان ترغیب نموده است، آیاتی که یا اشاره به خود طبیعت و آثار آن دارد و یا به واقع و حوادث واقع شده در جهان اشاره می‌کند، آیاتی مانند؛ آیه ۱۷ و ۱۸، سوره غاشیه: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ كَيْفَ خَلَقْتَهُمْ وَ إِلَىٰ السَّمَاءِ كَيْفَ رَفَعْتَهُمْ؟ آيا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چگونه برافراشته شده». و آیه ۵ سوره طارق: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ؛ پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است». آیه ۱۸۵، سوره اعراف: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ؛ آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان می‌آورند». آیه ۵، سوره ق: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَىٰ السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ؛ مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست»

مولانا رواند نیز از جمله شعرایی است که با مطالعه قرآن کریم و بینش و تفکر در آیات کتاب وحی با بیان صفات قرآنی خداوند ما را به خداشناسی درباره ذات ایزدی دعوت می‌دهد



شرح حال مولانا روانبد

«در روز دوشنبه هیجدهم شعبان ۱۳۴۵ هجری قمری در منزل مولوی محمد یحیی در باهوکلالت از توابع شهرستان چابهار کودکی به دنیا آمد، پدرش نام او را عبدالله گذاشت. مولوی محمد یحیی در آن لحظه به تحقق عالی ترین رویای عمر خود که داشتن فرزندی صالح و خیرخواه بود دست پیدا کرد. قاضی محمد یحیی که خود از روحانیون مطرح در آن زمان بود و مردم برای حل مسایل شرعی و داوری های گوناگون نزد وی مراجعه می کردند، همواره آرزو داشت که اگر صاحب فرزندی پسر شود، وی را به مدارس عالی دینی بسپارد تا فقهی بلندمرتبه و عالمی پرمایه گردد و جامعه بلوچستان را از تنگنای بی سوادگی و خرافات نجات دهد. عبدالله رشد کرد و در سن پنج سالگی قرآن را نزد مادرش فراگرفت و برای ادامه ی تحصیل، پدرتعلیم او را بر عهده گرفت. او نزد پدرش منطق، ادب، اصول، فقه، هندسه، ریاضی، تاریخ، حساب، میراث، فلسفه، علم کلام و علم بیان را آموخت. برای ادامه ی تحصیل در سال ۱۳۷۱ هجری قمری به مدرسه ی مظهرالعلوم کراچی که یکی از شاخه های مهم مدرسه ی دیوبند هندوستان به شمار می آمد، رفت. در آنجا کتاب های «شاه ولی الله محدث دهلوی»، «مبذی» و «ملاحسن» را به صورت متفرقه نزد «مولانا غلام مصطفی قاسمی» خواند. مولانا مصطفی وقتی که متوجه استعداد سرشار شاگرد تازه وارد خود شد، از او خواست که قسمتی از حاشیه کتاب قدوری را که از نوشته های مولانا غلام مصطفی می باشد، بنویسد. مولانا غلام مصطفی درباره ی او چنین می گفت: «اگر برای این شاگرد باهوشم، زمینه مناسب و محیطی سازگار فراهم شود؛ آن طور که برای علّامه نورشاه کشمیری فراهم آمده بود؛ به مقامی بسیار بالاتر از مقام علّامه کشمیری نائل خواهد آمد. «دیوان متنبی» و «سلم العلوم» را نزد «مولانا علی محمد سندی» که استاد شاعر بزرگ خاور زمین، علّامه اقبال لاهوری بود؛ فرا گرفت. سرانجام در امتحانات نهایی در میان صدها طلبه رتبه ی اوّل را کسب کرد و پسرخاله اش عبدالخالق پسند، مقام دوم را آورد. استاد مولانا فضل احمد، آن دو را صاحبین لقب داد. در سال ۱۳۷۲ هجری قمری فارغ التحصیل شد و از او دعوت به عمل آمد که در مدرسه ی مظهرالعلوم کراچی به عنوان استاد باقی بماند. اما دوستی وطن مانع اقامتش در کراچی گردید. اندکی بعد از

بازگشت، پدرش، داعی اجل را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. در سال ۱۳۸۸ هجری قمری حوزه علمیه‌ای در بخش پیشین بنیان نهاد و مبارزات شدیدی با بدعت‌ها و خرافات آغاز نمود. ایشان در میان فقها، فقیه و در میان ارباب فتوا، یک مفتی، در جمع قضات یک قاضی ماهر و در جمع ادبا ادیبی برجسته بود. بر شعر و ادب تسلط کامل داشت و به زبان‌های «فارسی»، «بلوچی» و «عربی» شعر سرود. به طوری که اشعارش نزد عوام و خواص مقبولیت یافت. اگر گفته شود بزرگ‌ترین شاعری که تاکنون «سرزمین بلوچستان» به خود دیده است؛ مولوی عبدالله روانبد است؛ سخنی بیهوده و گزاف نیست.» (کرد، ۱۳۸۶: ۱۰۸)

«مولانا عبدالله روانبد در سال ۱۴۱۸ هجری قمری مصادف با سال ۱۳۶۷ هجری شمسی برای دهمین و آخرین بار به زیارت کعبه رفت. پس از به جا آوردن مراسم حج به ریاض رفت و از آن جا با اتومبیل به سوی امارات متحده‌ی عربی رخت سفر بست، در راه، اتومبیل حامل ایشان دچار سانحه شد و واژگون گردید. سرانجام در بیست و سوم ذی‌الحجه ۱۴۱۸ هجری قمری مطابق با شانزدهم مرداد ۱۳۶۷ هجری شمسی در سن شصت و سه سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. مرقد مطهر این بزرگ‌مرد عرصه علم و دانش در قطر می‌باشد.» (جهان‌بده، ۱۳۸۴: ۳۱)

دادگری خداوند

عدل به معنای قضاوت و پاداش به حق است، یعنی باور به اینکه خداوند پاداش و جزای هیچ عملی را هرچند ناچیز و کوچک باشد ضایع نمی‌کند و بدون تبعیض به هر کس جزای عملش را خواهد داد: «فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره»، (پس هر کس ذره‌ای کار خوب انجام دهد آن را خواهد دید و هر کس ذره‌ای کار بد بکند آن را خواهد دید.) (الزلزال: ۷-۸) «دلیل انتخاب این اصل به عنوان یکی از اصول شیعه در اصل برداشت سیاسی و فلسفی از عدالت خداوند، نقش عقل عملی در تشخیص عدل و ظلم، و نیز حسن و قبح است؛ چرا که اهل سنت نیز به دادگری خداوند باور دارند.



این اصل به این معنی است که قضاوت عقل در مورد حسن و قبح و نیز عدل و ظلم معتبر است و نمی‌توان با اتصال رفتار شخصی (به‌ویژه سلطان یا خلیفه) به خداوند، ظلم وی را توجیه کرد و عقل را ناتوان از درک درست مفهوم حسن و قبح دانست. البته برای مفهوم عقل در مباحث مختلف فلسفی، کلامی، فقهی و اصولی و عرفی معانی متفاوتی وجود دارد و در این بحث، معنای منطقی و فلسفی عقل مد نظر قرار دارد.» (مطهری، ۱۳۵۷: ۹۵)

پروردگار محکمه‌انث ظلم‌جاء نه انت حق‌ء حساب بیت‌ء عجب چک‌ء تان‌ء
محکمه پروردگار است و ظلم جایگاهی ندارد. در محکمه پروردگار دادرسی و حساب انجام می‌شود. و عجب اوضاعی است آنجا
کوٹن پَس ے اگر پہ ستم کانٹیاں جتگ آ کوٹن‌ء حق‌ء جست‌ء پد از کانٹیاں بیت

کش‌انت پہ ذرہ ذرہ بدیان‌ء نیکیان

(دیوان بلوچی روانبد: ۱۲۸)

(در محکمه عدل الهی از ذره ذره نیکی و بدی‌های انسان سوال می‌شود بعنوان مثال) در آن پیشگاه اگر گوسفند شاخدار، گوسفند بدون شاخ را از روی ستم زده است، از حق آن گوسفند بدون شاخ از گوسفند شاخدار سوال می‌شود.

رحمت خداوند

«رحمت، از صفات خداوند بوده و مقابل غضب می‌باشد. رحمت در انسان به معنای دل‌نازک بودن و در خداوند به معنای روزی دادن و احسان و عفو و بخشش و غیره می‌باشد. رحمت در لغت، به معنای رقت، نرمی و انعطاف نفسانی است که مستلزم تفضل و احسان می‌باشد؛ ولی این معنا در وجود باری تعالی صحیح نیست؛ زیرا انفعال، نقص است و نقص در خداوند راه ندارد. رحمت درباره خداوند به معنای افاضه خیر و عنایت به نیازمندان است؛ از این رو فیض کاشانی درباره دو اسم شریف رحمان و رحیم می‌فرماید: «الرحمان و الرحیم من الرحمه و هی افاضه الخیر علی المحتاجین، عنایه بهم. و رحمه الله تعالی تامه و عامه و کامله؛» «رحمن» و «رحیم» از رحمت مشتق

است و به معنای افاضه بر نیازمندان از روی توجه به آنان است و رحمت خداوند متعال، تام و عمومی و کامل است. صفت رحمان، یکی از صفات خداوند است. نام رحمان بارها در قرآن، چه در آغاز سوره‌ها و چه درون آنها، آمده است. این نام ۵۶ بار درون سوره‌ها آمده که ۱۶ مورد آن تنها در سوره مریم است. رحمان، صفت بر وزن فعالان و دارای معنای مبالغه است. در کنار هم آمدن دو صفت رحمان و رحیم دربرگیرنده مفهوم تاکید متقابل این دو می‌باشد. «فیض کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۵۹»

ربّ مومنان مدام نه سوچ ایت که جو مه بیت از کافراں په مومنء رندء شگان ء بیت
 پروردگار برای همیشه مومنان گناهکار را در آتش نمی سوزاند تا کافراں به مومنان طعنه نزنند
 ادنی بهشتی ء که خدا جود کنت ربء کریم ء فضل ء کرم رایگانء بیت
 فضل و بخشش خداوند رایگان است طوری که کمترین بهشتی به اندازه‌ی ده برابر دنیا در بهشت
 سهمیه می‌برد
 دنت ئی به ده برابرء دنیا، مں جنتء

(دیوان بلوچی روانبد: ۱۳۲)

مهربانین بادشاهے پرده پوش ئے بندگان راه ئی داتگ میے سرء پیغمبرء آخرزمان
 پروردگار مهربان که پوشنده خطاهای بندگان خویش است از سرعظوفت خویش پیامبر خاتم را
 در آخر الزمان برای ما فرستاد.

مصطفی سردار عالم، تاجدارء مرسلان عرشینانی آشنا انت خاتمء پیغمبران
 او محمد، مصطفی، سردار جهان و تاجدار پیامبران است و با فرشتگان عرش آشنایت دارد.
 (همان: ۱۳۷-۱۳۶)

لطف خداوند

«واژه لطف در لغت در معانی مهربانی و اکرام، قرب و نزدیکی، کوچکی و ریزی، خفا و پنهانی، نرمی و آشکاری به کار رفته است. لطف در اصطلاح متکلمان از صفات فعل الهی است، یعنی افعالی که به مکلفان مربوط می‌شود و مقصود این است که خداوند آنچه مایه گرایش مکلفان به



طاعت و دوری گزیدن آنان از معصیت می باشد را در حق آنان انجام داده و این امر مقتضای عدل و حکمت الهی است، عبارت ذیل تعریف مشهور قاعده لطف است. «اللطف ما يقرب العبد الی الطاعة و یبعده عن المعصیه» (قاضی، ۱۳۵۴: ۹)

«لطف را به معنای نرمی در کار و کردار، رفیق، مدارا، خوش رفتاری و نیکوکاری دانسته اند. قاعده لطف در علم کلام به معنای کاری است از جانب خدا که به وسیله آن مکلف به طاعت نزدیک و از معصیت دور می شود. لطف به حد اجبار نمی رسد و ایجاد امکان برای کار نیز لطف نامیده نمی شود. به همین دلیل ابزار انجام کار، لطف نامیده نمی شود.» (ابو اسحاق، ۱۴۱۳: ۵)

مولانا در اشعارش درباره لطف پروردگار می گوید که اگر لطف پروردگار با انسان همراه نباشد گرچه او تلاش و کوشش نماید اما کوشش و تلاش او بی ثمر خواهد بود و نتیجه ای دربر نخواهد داشت. بنابراین انسان برای رسیدن به پله های موفقیت نیازمند لطف و مرحمت پروردگار است.

پیدا و رنت که کوشش بنده کجارس ایت همراه اگر مه بیت، کشش لطف کردگار (دیوان بلوچی روانبد: ۱۴۳)

اگر لطف و بخشش حضرت پروردگار همرا انسان نباشد. سعی و تلاش بنده برای کسب روزی به کجا می رسد؟

حکمت ایزدی

«از نظر لغوی حکمت به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است. به همین جهت افسار اسب را «حکمه» می گویند زیرا اسب را از سرکشی و تمرد باز می دارد و او را مطیع و رام می سازد. همچنین فرمان های مولوی را از آن جهت «حکم» می گویند که مکلف را از انجام کارهای دلخواه خود باز می دارد و قاضی را حاکم نامیده اند زیرا حکم او مانع ضایع شدن حق و تعدی به دیگری می شود و نیز تزلزل در نزاع را برطرف می کند. تصدیق علمی را نیز به اعتبار اینکه از عارض شدن شک و تردید بر ذهن مانع می شود حکم می نامند. بنابراین کلمه حکمت، ملازم با خلیل ناپذیری، استواری و استحکام است، خواه مربوط به علم باشد و خواه مربوط به عمل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۸)

مفسران گفته‌اند: حکیم کسی است که کارها را استوار و محکم کند. این کلمه مجموعاً ۹۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است که فقط در پنج مورد صفت قرآن و در یک مورد صفت امر آمده، بقیه هم درباره حکیم بودن خداوند سبحان است. (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۶۴)

بنابر اعتقاد مولانا روانبد هر پدیده‌ای که در جهان روی می‌دهد بر اساس تدبیر حکیمانه الهی است و هر چیزی حساب و کتاب دارد. وی بیان می‌دارد که حکمت بیانگر این است که عالم هستی در تمام ابعادش بر اساس نظم و حساب دقیق و قوانین موزون و منسجم بر پا شده است و افعال خداوند بر تمام ابعادش با حکمت است و این همان چیزی است که از آن به نظام احسن تعبیر می‌شود. وی نیز در این باره اذعان می‌دارد که حکمت خداوند بر این است که گاه گاهی از روی حکمت، رحمت‌های خویش را به شکل زحمت می‌فرستد.

کار کدی خالیگ نهنٔ خداوندی، حکمت‌ء رحمتاں گاه‌ء راه دنت شکل‌ء زحمت‌ء امور هیچگاه از حکمت ایزدی خالی نیست، برخی مواقع رحمتش را به شکل زحمت می‌فرستد موت هما انت که بیرگ‌ء چشتگ حضرت‌ء مردم اے دنیا‌ء ته‌ء آتگگ عبرت‌ء توشگ‌ء زیرایت‌ء به جنت گون‌ئی نوبت‌ء

(دیوان بلوچی روانبد: ۵۰۳)

مرگ همان است که پیامبر گرامی اسلام آن را تجربه کرده است. انسان در این دنیا برای عبرت و کشت کردن برای آخرت آمده است. ای مردم توشه و اعمالی بردارید و پیش به سوی بهشت قدم بردارید.

تجلی ذات ایزدی در بهشت

«ورود و زندگی در بهشت پروردگار، جزء آرزوها و اهداف هر یک از مسلمانان می‌باشد. اما سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که آیا امکان لقای و دیدار پروردگار در بهشت برای مومنان و مسلمانان وجود دارد؟ بنابر آیات و احادیث آمده از قرآن و سنت نبوی، مسلمانان در روز قیامت به لقای پروردگارشان می‌رسند. من جمله این دلایل به شرح ذیل می‌باشند.



۱- خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ أَلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ». (در آن روز چهره‌هایی شاداب و شادانند، و به پروردگار خود می‌نگرند) (القیامة: ۲۳-۲۲)

یزید بن هارون تفسیر این آیه را از امام حسن بصری این گونه روایت کرده است: به سوی پروردگار خود می‌نگرند. مفسر مشهور و معتبر نزد تمام مسلمانان؛ حضرت عبدالله بن عباس (رض) (پسر عموی حضرت پیامبر) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ»: یعنی چهره‌ها در آن روز از خوبی و شادابی شادانند. «أَلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»: (یعنی در چهره پروردگار خود می‌نگرند).

۲- خداوند می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (الانعام: ۱۰۳) «چشمها او را در نمی‌یابند، و او چشمها را در می‌یابد»

گرچه بعضی از افراد از این آیه بر نفی رؤیت خداوند استدلال جسته‌اند؛ ولی برعکس، این دلیل بر اثبات رؤیت خداوند است. چنانچه حضرت قتاده می‌گوید: بندگان به سوی پروردگارشان نگاه می‌کنند ولی نگاه آنان خداوند را احاطه نمی‌کند. حضرت عبدالله بن عباس (رض) می‌فرماید: معنای «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» این است که چشمان انسان‌ها نمی‌توانند بر خداوند احاطه داشته باشند، چون محال است که چیزی بتواند خداوند را احاطه کند، زیرا او خود احاطه‌کننده همه چیزها است» (ابن مردویه، بی تا: ۲۷۶)

«رسول خدا (ص) فرموده است: «در همان حال که بهشتیان در نعیم بهشتی غوطه می‌خورند ناگهان نوری درخشان بر آنان می‌تابد. سرها را که بر می‌دارند می‌بینند پروردگار عالمیان بر بالای آنها قرار گرفته و می‌فرماید: «درود بر شما ای بهشتیان!» و فرمود: «این همان سخن خداوند در قرآن کریم است که: فرمود: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» و فرمود: «پس از آن خداوند ایشان را نظاره می‌کند و ایشان خدا را، و تا این دیدار ادامه دارد آنها متوجه هیچ یک از نعمت‌های بهشتی نمی‌شوند تا آنگاه که از دید آنان مستور گردد و نور و برکتش بر جای ماند»» (سنن ابن ماجه، حدیث ۱۸۴)

مولانا عبدالله روانبد در بحث لقای پروردگار اذعان می‌دارد که مقصد نهائی در نعمت‌های آخرت رؤیت خداوند متعال است. و این رؤیت والاترین و بالاترین درجه از عطایای فاخر خداوند است. که مولانا با اقتباس از آیات پروردگار و احادیث نبوی تشریح می‌کند که مومنان و بندگان خالص

پروردگار در روز حساب به ملاقات پروردگارشان می‌رسند و چنان مدهوش این ملاقات و لقا می‌گردند که از تمام نعمت‌های جاوید بهشتی غافل می‌شوند. وی در این باره می‌سراید که رؤیت پروردگار، رؤیت حقیقی است. نه آنطور که بعضی از فرقه‌های منکر رؤیت با مقیاس و معیارهای عقلی باطل و تحریفات لفظی بی‌مورد گمان می‌کنند.

قطعا در بهشت تکامل وجود دارد و بهشتیان هرگز در جا نمی‌زنند، بلکه در پرتو عنایات الهی و الطاف ربانی، روز به روز به ساحت قدسش نزدیکتر می‌شوند و در مسیر قرب الی‌الله به پیشروی خود ادامه می‌دهند. و هر هفته در روز جمعه به لقای پروردگار خویش مدهوش می‌گردند که این بالاترین و بزرگترین نعمت بهشتیان از جانب پروردگار است که به آنها عنایت می‌دارد.

تو نه گوشه‌گشای عاشقان گندانَت منْء در جنتْء؟ وعدهء، یارب، وفاکن، پیش‌بدار مارا وتْء پروردگارا مگر سخنان شما این نبوده است که عاشقان شما را در بهشت ملاقات خواهند کرد؟ وعده خویش را وفا کنید و خودتان را به ما نشان دهید.

تو خدایِ عالمِ پاکِ یے چه شکلْء صورتْء
پاک بے چون، کنت تجلی، خلق روت از حالتْء

خداوندا شما پروردگار عالم هستی و از هر شکل و صورت انسانی پاک و مبرا هستی. چون تجلی نور می‌نمایی کل خلقت مدهوش می‌شوند و از حال می‌روند.

ظاهرْء گندانَت جمالْء پاکْء ربُّ العزّتْء بے مثالْء، بے جهت، بے کیفیتْء در فردوس و بهشت برین، مومنان جمال پاک پروردگار با قدرت را که بی‌مثل و بی‌مانند و بی‌کیفیت می‌باشد را خواهند دید.

مست بنت، مدهوش بنت ربّ لقا لندتْء

ساعتْء پُریں کپ انت در بے هُشیْء حیرتْء

از دیدار پروردگار، از خود بی‌خود و مدهوش می‌گردند و ساعاتی در خوشی و لذت بیش از اندازه می‌گذرانند.



قصه باغاں بے خیال انت، بے خود انت آ ساعت

چا مزن چمی جنان، بے ترانگ انت آ مُدّت

هر جمعه گندانت خداوند به قدر قوت

از شدت این لذت (لقای حضرت ایزدی) چنان مدهوش و بی اختیار می گردند که قصرو و باغ های بهشتی را فراموش می کنند و نسبت به حوریان بهشتی در آن لحظه بی تفاوت می شوند. و مومنان هر جمعه به اندازه توان نیروی خویش خداوند را ملاقات می نمایند. (دیوان بلوچی روانبد: ۱۱۵)

نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می دهد که هدف شاعر از بیان رحمت خداوند امیدوار کردن مردم به صورت عامه و مسلمانان به صورت خاص به رحمت خداوند است و هرگاه از رحمت ایزدی سخن به میان می آورد بیان می دارد که این امور از لطف خداوند است که بر سر ما لطف به خرج می دهد و همچنین بیان می کند که امور بسته به حکمت ایزد متعال هستند و هیچ فعلی از حکمت خداوند خالی نیست. روانبد تاکید می کند که بالاترین نعمت در بهشت تجلی ذات ایزدی در بهشت است و دیدار خداوند متعال در جنت بهترین قرب الهی است، که مومنان واقعی و راستین خداوند که سعادت دیدار خداوند را پیدا کنند به فلاح جاوید دست یافته اند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن مردویه، ابوبکر احمد بن موسی، تفسیر القران، ۱۴۲۴، ص ۲۷۶.
- ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، الیاقوت فی علم الکلام، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۳ق. ص ۵.
- جهانزاده، عبدالغفور، دیوان روانبد، زاهدان: انتشارات بام دنیا، ۱۳۸۴ص ۳۱ تا ۷۷.
- روانبد، عبدالله، دیوان بلوچی مولانا عبدالله روانبد، تصحیح عبدالروف ملازهی، چاپ اول، امارات، انتشارات الغریر، ۱۳۸۹.



- فیض کاشانی، ملامحسن، علم الیفین، به نقل از اسماء الهی از دیدگاه قرآن و عرفان نوشته رضا
رمضانی، ص ۱۵۹. ۱۳۸۵.
- قاضی عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، ج ۱۳، بی تا، ص ۹.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، ج ۷؛ تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲،
ص ۱۷۱.
- مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۷، ص ۴۵ تا ۱۰۲.
- کرد، نورالله، تذکره ی شاعران معاصر بلوچستان، تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۸۶ ص ۱۰۸ تا ۱۱۱.

Archive of SID